

#### عنوان مقاله

### پیش‌بینی ناسازگاری زناشویی بر اساس بعد باورهای غیر منطقی در زنان در حال طلاق

نام و نام خانوادگی نویسنده مسئول: محمد دهقانی

کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران جنوب

اداره آموزش پرورش شهرستان دلفان، دبستان شهید محمد کرمی

ادرس پست الکترونیک: MOHAMMAD1372@GMAIL.COM

شماره تماس: 09380216636

نام و نام خانوادگی نویسنده دوم: صبا کریمی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه رازی

آموزش و پرورش شهرستان دلفان، دبستان شهید کیانوش

شماره تماس: ۰۹۱۶۸۸۸۸۳۹۳

#### چکیده:

روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل زنان شاغل در حال طلاق شهر نورآباد تعداد ۳۲۰ نفر بوده که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۱۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین مراکز مشاوره خانواده انتخاب شدند ابزار جمع‌آوری مقیاس ناسازگاری زناشویی اسپاینر (۱۹۷۶)، باورهای غیرمنطقی جونز (۱۹۶۸) استفاده شده است. نتایج تحقیق که با بکارگیری نرم‌افزار SPSS-26 و آزمونهای آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری و ساده صورت پذیرفت نشان می‌دهد باورهای غیرمنطقی می‌توانند ناسازگاری زناشویی را در زنان شاغل در حال طلاق شهر نورآباد پیش‌بینی نمایند.

**واژگان کلیدی:** ناسازگاری زناشویی، باورهای غیرمنطقی، تعارضات زناشویی، طلاق.

#### ۱- مقدمه:

##### ۱-۱: مقدمه

خانواده اصلی‌ترین شکل اجتماعی است. دستیابی به جامعه سالم در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن ارتباط مطلوب با یکدیگر است، همچنین خانواده مهمترین عامل رشد شخصیت فرد است (سادوک، سادوک و کاپلان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

<sup>1</sup>. Sadok, Sadok & Caplan

سازگاری زناشویی<sup>۲</sup> از مهمترین عوامل پیش‌بینی کننده صمیمیت یک رابطه عاشقانه و ثبات آن یا اختلاف زوجین و پایان رابطه زناشویی است. در واقع زوجین دارای سازگاری زناشویی بیشتر، در روابطشان ثبات بیشتری داشته و برای حل و فصل مشکلات و تعارضات زندگی مشترک خود بیشتر از دیگران، می‌کوشند. سازگاری زناشویی شامل ابعاد جسمی، جنسی و عاطفی است و با بهزیستی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رابطه دارد. سازگاری زناشویی با افزایش درگیری و اختلافات زوجین، همراه بوده و ممکن است نهایتاً به طلاق عاطفی یا جدایی آنان بینجامد (لطیفی، ۱۳۹۸).

#### ۲-۱: بیان مسأله

ازدواج پدیده‌ای مهم و ارزشمند در حیات انسان بوده و به عنوان یک نهاد اجتماعی است که ریشه و اساس روابط انسانی را شامل می‌شود. از طریق ازدواج مرد و زن به وسیله یک نیروی برگرفته از غرایز، محبت و عشق، جذب یکدیگر می‌شوند، آزادانه و کامل به یکدیگر متعهد شده تا واحد منسجمی را با نام خانواده پدید آورند. به همین علت، می‌توان گفت خانواده تنها نظام اجتماعی است که به طور قطعی و رسمی در تمامی جوامع پذیرفته شده است. خانواده محیطی امن، مقدس، پر از عشق و صمیمیت و به زیباترین تعبیر قرآنی (سوره روم، آیه ۲۱)، محل سکون و آرامش واقعی زن و مرد است.

مهمترین اصل در ازدواج، سازگاری زناشویی و توافق زوجین از ازدواج و تشکیل خانواده است. سازگاری زناشویی یکی از متغیرهایی است که با وسعت هر چه تمام‌تر در تحقیقات خانواده و زناشویی مورد توجه و تأمل واقع شده است. این متغیر با بسیاری از متغیرهای دیگر همچون رضایت، شادکامی، موفقیت و ثبات زناشویی در ارتباط تنگاتنگ است. در حالی که متغیرهای فوق هر کدام شامل تنها یک بعد از ازدواج هستند، سازگاری زناشویی یک متغیر چندبعدی است که در برگیرنده سطوح چندگانه ازدواج بوده و فرایندی است که در طول زندگی زوجین و به مرور زمان ایجاد می‌شود، چرا که لازمه آن تطبیق سلاقی، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، ایجاد آداب رفتاری و پیدایش الگوهای ارتباطی است. به همین جهت سازگاری زناشویی یک فرایند تدریجی و تکاملی بین زوجین است و از عوامل تأثیرگذار بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌رود (علی بکیان و افشاری نیا، ۱۳۹۹). در واقع سازگاری زناشویی ستون اصلی عملکرد مؤثر خانواده بوده و تأثیر والدینی را بهبود می‌بخشد، باعث افزایش طول عمر زوجین و افزایش سلامتی (آلن و دمبو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴)، افزایش توافق زندگی (نک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵)، کاهش مشکلات روانی (هلن و سارا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵)، مدیریت بهتر تعارضات و افزایش مهارت‌های ارتباطی و حل مسأله می‌گردد (جانسون، کوهن و داویلا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸).

از متغیرهای به وجود آورنده ناسازگاری زناشویی، باروهای غیرمنطقی است که شامل افکار انسان در رابطه با کیفیت باوری است که زندگی برای ما و دیگران در ذهن ایجاد می‌کند. نگرش‌ها، اعتقادات و ارزش‌های بی پایه ما نسبت به آنچه واقعاً در جهان موجود است، با هم هماهنگی ندارند.

<sup>2</sup>. Marital Adjustment

<sup>3</sup>. Alan & Demo

<sup>4</sup>. Nock

<sup>5</sup>. Helene & Sara

<sup>6</sup>. Johnson, Cohan & Davila

باورهای غیرمنطقی مجموعه‌ای منفی از پاسخ‌های عادی است که هنگام برخورد با حوادث یا موقعیت‌های استرس‌زا از آنها انتظار داریم به عبارت دیگر، هرگونه افکار، عواطف یا رفتارهایی هستند که موجب از بین رفتن خود می‌شود و نتیجه آن اختلال در بقاء، بهزیستی و شادکامی است. به عبارت دیگر، باورهای غیرمنطقی افکار جبری هستند. اجبار و مطلق‌گرایی بیش از حد و باعث اختلالات عاطفی و رفتاری می‌شود. چنین اعتقاداتی پیامدهای عاطفی مانند ترس، اضطراب، عصبانیت، احساس گناه، غم، خصومت و افسردگی در برخورد با حادثه‌ها و تحریکات خارجی را به همراه دارد. در واقع، این باورهای انسان است که نوع، وضعیت و شدت احساسات و رفتار او را تعیین می‌کند زیرا رفتار و عواطف انسانی ناشی از اعتقادات و باورهای غیرمنطقی وی است و این باورها باعث تفکر انسان در مورد خود، جهان و دیگران می‌شود (رحمت‌زهی، خزایی، جوادیان و کرد، ۱۳۹۶).

### ۳-۱: اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به تعداد بالای ناسازگاریهای زناشویی و نیز آمار طلاق و جدایی در بین زوجین که همگان شاهد آن هستیم، لزوم یافتن راههایی برای استحکام بنیان خانواده از اهم اموری است که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را در بین تحقیقات روانشناسی و مشاوره به سوی خود جلب کرده است. یافتن عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی از آن جهت مهم است که با شناخت این متغیرها، می‌توان به طرق ثبات زندگی زناشویی دست یافت. در حال حاضر یکی از بزرگترین معضلات اجتماعی در جوامع امروزی، تعارضات خانوادگی است؛ بنابراین، پرداختن به موضوع تعارضات زناشویی به منظور دست یافتن استراتژیهای پیشگیری، از مهمترین ملزومات آموزش‌های خانواده است.

با توجه به آمارهای بیان شده در مورد طلاق که بسیار تکان‌دهنده است، سازگاری زناشویی را می‌توان در زمره یکی از مهمترین عوامل مؤثر در ساختار خانواده دانست (قراچه و همکاران، ۱۳۹۰). سازگاری زناشویی باعث تحکمی بنیان خانواده می‌شود و کاهش آن، موجب افزایش اختلافات، و درگیریهای زوجین و آمار طلاق شده، و همین باعث افزایش ضرورت بررسی عوامل موجد ناسازگاری زناشویی زوجین را آشکار می‌سازد.

### ۴-۱: تعریف سازگاری زناشویی

امروزه سازگاری زناشویی یکی از متغیرهایی است که به طور وسیع در مطالعات و تحقیقات خانواده استفاده می‌شود. این متغیر با بسیاری از متغیرهای دیگر همچون رضایت از زندگی، شادکامی، توفیق و ثبات و استحکام زناشویی مرتبط است. در حالیکه متغیرهای دیگر هر کدام تنها یک بعد از ازدواج را در بر می‌گیرند، سازگاری زناشویی یک متغیر چندبعدی است که پایه و اساس متغیرهای دیگر ازدواج را مشخص می‌کند و پروسه‌ای است که در طول زندگی مشترک به وجود می‌آید چرا که لازمه آن منطبق شدن سلايق، شناخت ویژگی‌های طرف مقابل، ایجاد قوانین رفتاری و ایجاد الگوهای رابطه‌ای است، لذا سازگاری زناشویی یک پروسه تکاملی در بین زوجین است. در طول سالها از این مفهوم بدون یک تعریف مشترک و روشن بین محققان استفاده شده است. سازگاری زناشویی روشی است که افراد متأهل، به صورت فردی یا با در تعامل با هم، جهت متأهل ماندن با هم سازش می‌کنند، طوری که سازگاری یکی از مهمترین مشخصه‌ها در تعیین استحکام و تداوم زندگی زناشویی است (گلدنبرگ، ۲۰۱۶). کاتریل (۱۹۳۳) سازگاری زناشویی را به صورت پروسه‌ای که زوجین سعی می‌کنند تا اشکال ارتباطی ویژه یا موقعیتی که در خانواده پدری خود کسب کرده‌اند، مجدداً پیاده کنند، تعریف می‌کند. سازگاری زناشویی به صورت یک ارتباط که بوسیله موارد زیر مشخص می‌شود، تعریف شده است:

(۱) اختلافات پر دردرس جفتی،

(۲) اضطراب دو طرفه و یکطرفه،

(۳) رضایت بین فردی،

(۴) همبستگی بین فردی ،

(۵) سازش کلی دونفری بر روشهای مهم عملی (کمالی، ۱۳۹۸).

اسپانیر و کل یک پرسشنامه برای اندازه گیری سازگاری دو زوجی ارائه کردند که می تواند برای زوجین متأهل و زوجین موقتی، مورد استفاده واقع

شود. این مقیاس زیرمجموعه هایی دارد که چهار زیرگروه تأییدی اصلی را بررسی می کند:

(۱) توافق زوجی

(۲) سازش زوجی

(۳) یکپارچگی زوجی

(۴) لحن محبت آمیز.

سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی شخصی و جمعی انسان ها تأثیرگذار است و به عنوان پایه و اساس عملکرد خوب خانواده بوده، تأثیر پدر و مادر را آسان می کند و موجب پیشرفت اقتصادی و توافق بیشتر از زندگی می شود. از سویی دیگر وجود ناسازگاری و اختلافات زناشویی در زوجین افزون بر ایجاد مشکل در زندگی، باعث اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به ناهنجاریهای اجتماعی و اخلاقی و از بین رفتن ارزش های فرهنگی در خانواده می شود. بر اساس نظریه هالفورد (۲۰۱۵) عوامل تأثیرگذار بر سازگاری زناشویی شامل ویژگی های فردی، عوامل موقعیتی و رخدادهای زندگی است. همچنین مطابق نتیجه اساس تحقیقات گوناگون عواملی همچون فضای خانواده و سبک های وابستگی (دیفلیو، ۲۰۱۷) بطور معنی دار و عواملی همچون تفکر غیرمنطقی و در خودفرورفتگی (بیج والری، ۲۰۱۵) بطور منفی با سازگاری زناشویی مرتبط بوده اند (موسوی، ۱۳۹۹).

از مجموع تحقیقات انجام شده چنین بر می آید که رابطه زوجین با سازگاری مطلوب آن رابطه ای است که طرز تفکر و رفتار هر یک از زوجین، محیطی را پدید آورد که در راستای عملکرد مطلوب ترکیب شخصیتی زن و شوهر، به ویژه در زمینه ارتباطات اولیه، ایده آل باشد. به همین منظور و با توجه به اهمیت و تأثیر سازگاری در روابط بین زن و شوهرها و ارتقاء مطلوبیت زندگی زناشویی، و از سوی دیگر با توجه به نتایج تحقیقات گوناگون در این رابطه، توجه و دقت به این متغیر در راستای کاهش اختلافات و افزایش توافق در روابط زوجین بیش از پیش احساس می شود (موسوی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر، سازگاری زناشویی تطبیق موقعیتی است که هست و وضعیتی که در انتظار آنیم. مطابق با این تعریف، سازگاری زناشویی زمانی پدید می آید که موقعیت فرد در رابطه زناشویی مطابق با آنچه که وی انتظار دارد باشد و ناسازگاری زمانی است که موقعیت موجود فرد در زمینه زناشویی با وضع مورد انتظار و دلخواهش تطبیق ندارد و متفاوت است (سلیمانیان، ۱۳۹۷).

در هر حال، اگر سازگاری زناشویی نتیجه تبادل رفتارهای پاداش برانگیز باشد، عدم سازگاری زمانی است که زوجین از مسأله ای در رنج باشند و عذاب بکشند. البته عقیده افراد در مورد اینکه چه کارهایی موجب سازی می شود با گذشت زمان و رشد طبیعی انسان عوض می شود. رابطه ای را که

برای یک زوج در سن بیست و چند سالگی، مطلوب و ایده آل است ممکن است در چهل یا پنجا سالگی، با ورود سلايق و مشاغل جديد در اين خانواده چندان سازش پذير و مطلوب نباشد. همچنين در يك زمان، يك فرد به عنوان بهترين نامزد تلقی شده، اما در زمان ديگر نامزدهای زيباتر و بهتر سر راه او قرار گيرند، اين رابطه ديگر رضایت بخش و ارضاکننده نخواهد بود. همچنين ممکن است با آغاز زندگی مشترک و دیدن خطاهای سرزده از زن یا شوهر در طول زندگی، از سازگاری طرفین کاسته شود (لطیفی، ۱۳۹۸).

#### ۵-۱: پیشینه تحقیق

#### ۱-۵-۱: تحقیقات داخلی

محبیان فر، فرجی پاک، رجنی و سیفی کردلر (۱۴۰۰) رابطه مثلث تاریک شخصیت و طرحواره ناسازگار با دلزدگی زناشویی را در دبیران متوسطه اول دزفول بررسی کردند. یافته‌ها بیان کردند رابطه بین مثلث تاریک شخصیت و طرحواره ناسازگار با دلزدگی زناشویی مثبت و معنی دار بوده است. حق نسب و پورفرخ (۱۳۹۹) رابطه ابعاد مثلث تاریک شخصیت و سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی را بررسی کردند. نتایج نشان داد نمره مثلث تاریک شخصیت و ابعاد ماکولسم و ضداجتماعی جداگانه و هر سبک‌های دلبستگی قادرند پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی باشند. بنابراین رفتارهای نامطلوب اجتماعی می تواند باعث مثلث تاریک شخصیت و بروز بی مهری بین زوجین، افول صمیمیت و رضایت و مبدعی برای دلزدگی باشد.

اسدپور، کریمی و امینی (۱۳۹۹) رابطه طرحواره‌های ناسازگار با تعارض و دلزدگی زناشویی را در پرستاران زن به بوت آزمایش گذاشتند. یافته پژوهش نشان داد طرحواره‌های ناسازگار با تعارض و دلزدگی زناشویی رابطه معنی دار داشته و آنها را پیش بینی کرده است.

هراتیان و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی و تعارض زناشویی، تأثیر دینداری پرداختند. نتایج، تأثیر کاهشی دینداری در رابطه نمره کل و مولفه های روان‌بنه‌های ناسازگار و نمره نهایی و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی را تأیید کردند؛ یعنی رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی در گروه دینداری بالا قویتر است.

علی‌بکیان و افشاری‌نیا (۱۳۹۹) به تدوین مدل تأثیر دلزدگی زناشویی در رابطه بین تمایز یافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در سازش زناشویی در زنان و مردان کرمانشاه پرداختند. نتایج مدل نشان داد که رابطه غیرمستقیم تمایز یافتگی با سازش زناشویی با دلزدگی زناشویی و رابطه غیرمستقیم سبک مسلط با سازش زناشویی از طریق دلزدگی زناشویی معنی دار می‌باشد.

عمرانی، جمهری و احدی (۱۳۹۸) به پیش‌بینی سازش زناشویی بر اساس انتظارات زناشویی با تأثیر تعارض‌های زناشویی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که مدل مناسب بوده و تأثیر انتظارات زناشویی بر تعارض‌های زناشویی و سازگاری زناشویی دانشجویان مستقیم و معنی دار بوده است. انتظارات زناشویی با میانجی تعارض زناشویی بر سازش زناشویی دانشجویان تأثیر غیرمستقیم و معنی داری گذاشته است.

ضابطی و اشکانی (۱۳۹۶) به پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زوجین بر مبنای تعارض زناشویی و سبک دلبستگی پرداختند. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آنست که تعارض زناشویی به طور مثبت و معنی دار پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی زوجین بوده است. از بین سبک‌های دلبستگی، سبک اجتنابی و

اضطرابی به صورت مثبت و معنی دار و سبک ایمن به صورت منفی و معنی دار پیش بینی کننده دلزدگی زناشویی زوجین بوده اند.

برهانی زاد و عبدی (۱۳۹۶) به تأثیر ابعاد مثلث تاریک شخصیت در پیش بینی صمیمیت و نگرش به خیانت زوجین متقاضی طلاق پرداختند. نتایج همبستگی و رگرسیون نشان داد که بین صمیمیت با ابعاد مثلث تاریک شخصیت رابطه‌ی معکوس وجود دارد. ابعاد سایکوپاتی و نارسیم توانستند ۱۸ درصد از تغییرات صمیمیت را پیش بینی کنند. همچنین بین نگرش به خیانت و ابعاد مثلث تاریک شخصیت رابطه‌ی معنی دار بدست آمد. نتیجه پژوهش نشان داد که بعد ماکیاولی و خودشیفته ۱۷ درصد از تغییرات نگرش به خیانت را پیش بینی می کند. نتایج از این امر حمایت می کند که میزان ابعاد مثلث تاریک شخصیت انسان شامل سه بعد ماکیاولی، سایکوپاتی و خودشیفتگی، بر میزان صمیمیت زناشویی و همچنین بر میزان نگرش به خیانت زوجین متقاضی طلاق، مؤثر است.

#### ۲-۵-۱: تحقیقات خارجی

در نتیجه تحقیق آیسال<sup>۷</sup> (۲۰۲۱) آمده سه جنبه تاریک شخصیت می توانند منجر به عدم صمیمیت زناشویی و ناسازگاری زناشویی در زوجین شوند.

هارین، گوین و بنگارت<sup>۸</sup> (۲۰۲۰) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند سه صفت تاریک با تعارضات ارتباطی زوجها رابطه مثبت معنی دار دارند. در این بین، بعد ماکیاولیسم و ضداجتماعی سهم بیشتری در پیش بینی تعارضات ارتباطی زوجین داشتند.

سیرین و دنیز<sup>۹</sup> (۲۰۲۰) در تحقیق خود نشان دادند از میان مؤلفه های سه گانه تاریک شخصیت شوهران، مؤلفه های جامعه ستیزی و ماکیاولیایی به صورت مثبت دلزدگی زناشویی زنان را پیش بینی می کنند. نتایج پژوهش مایور<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۸) نشان داد که مستقیم باورهای غیرمنطقی با سازش یافتگی زناشویی است معنی دار و منفی است.

شوینتا<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۷) ضمن پژوهشی درباره سازگاری زناشویی در میان زوجین مراقبت در ارتباط با سن به این نتیجه رسیدند

7. Uysal

8. Horan, Guinn & Banghart

9. Sirin & Deniz

10. Mayor

11. Shweta

که عوامل بسیاری از جمله سن، انتظارات و تعارضهای زناشویی در سازگاری زناشویی تأثیر مؤثر دارند.

#### ۲- روش شناسی :

##### ۲-۱: روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کمی و توصیفی و از دسته تحقیقات همبستگی بوده است.

##### ۲-۲: جامعه آماری

جامعه آماری مشتمل بر همه دارای تعارض زناشویی و شاغل مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر دلفان در فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ با تعداد ۳۲۰ نفر بوده است.

##### ۲-۳: حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که مطابق آن ۱۷۵ نفر برآورد گردید و افراد نمونه به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

$$n = \frac{\frac{(t)^2(Pq)}{(d)^2}}{1 + \left[ \frac{1}{N} \left( \frac{(t)^2(Pq)}{(d)^2} - 1 \right) \right]} = \frac{\frac{(1.96)^2(0.5 \times 0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \left[ \frac{1}{N} \left( \frac{(1.96)^2(0.5 \times 0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right) \right]} = x$$

##### ۲-۴: ابزار جمع آوری داده ها

۱. پرسشنامه ناسازگاری زناشویی: این پرسشنامه را اسپاینر (۱۹۷۶) ساخته که دارای ۳۲ پرسش است و در کل سازگاری زناشویی زوجین

را سنجش می کند. نحوه نمره گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه ای و نمرات این پرسشنامه از صفر تا ۱۵۰ متغیر است. کسب نمره بالاتر یا برابر با ۱۰۰ به معنی سازگاری زناشویی و نمره کمتر از ۱۰۰ به معنای وجود مشکلی در روابط زناشویی و ناسازگاری و عدم تفاهم خانوادگی است.

۲-۵: روایی و پایایی: اسپاینر (۱۹۷۸) پایایی ۰/۹۶ را از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس بدست آورد. شارپلی و کروس

(۱۹۸۲) ضریب پایایی پرسشنامه را ۰/۹۶ گزارش کردند، در ضمن آنها استفاده از این مقیاس را به دلیل پایه های روان سنجی مناسب آن در مقایسه با سایر مقیاس ها توصیه کرده اند (حسن شاهی، ۱۳۷۸). پایایی به دست آمده را حسن شاهی (۱۳۷۸) با استفاده از روش های تصنیف برابر ۰/۹۶ و با استفاده

از ضریب آلفای کرونیک ۰/۹۲ برآورد کرد. که این پایایی در پژوهش شارپلی و کروس<sup>۱۲</sup>(۱۹۸۲) تأیید شد. در پژوهش دیگری که بوسیله اسپانیر و تامپسون<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۲) انجام گرفت، همسانی درونی بدست آمده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد. در ایران ملازاده (۱۳۸۱) اعتبار مقیاس را با روش بازآزمایی ۰/۸۶ و با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و روایی همزمان آن با پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک والاس برابر ۰/۹۰ گزارش نمود. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

**مقیاس باورهای غیرمنطقی جونز<sup>۱۴</sup>(۱۹۶۸):** آزمون باورهای غیرمنطقی IBT<sup>۱۵</sup> یک پرسشنامه ۴۰ سؤالی و با ۴ خرده مقیاس است که بر پایه ۴ نوع تفکر غیرمنطقی در نظریه ایس و نمره گذاری در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت پیشرفت طراحی شده است. نمره کلی این پرسشنامه در دامنه بین ۴۰ تا ۲۰۰ قرار دارد به گونه‌ای که نمرات بالاتر نشان‌دهنده باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد و نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده باورهای منطقی و کارآمد است. جونز (۱۹۶۸) روایی IBT را از طریق تحلیل عاملی و نیز همبستگی زیرمقیاس‌های آن با برخی از مقیاس‌های بالینی مانند پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل نشان داده است. همبستگی بالای این مقیاس با پرسشنامه افسردگی (نلسون<sup>۱۶</sup>، ۱۹۷۷) و طرز تلقی ناکارآمد از ازدواج (ایدلسون و اپستین<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۲ به نقل از ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶) شواهد معتبری برای روایی همگرا فراهم آورده است. تقی‌پور (۱۳۷۷) پایایی این آزمون را بر روی یک نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آورد. در پژوهش مشاک (۱۳۸۵) ضرایب پایایی پرسشنامه باورهای غیرمنطقی به دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۶۶ و ۰/۶۵ گزارش شد (عسگری و همکاران، ۱۳۸۸).

#### ۲-۶: روش‌های آماری

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و دو روش توصیفی و تحلیلی استفاده شد. در مرحله آنالیز داده‌ها نیز از دو روش آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های رگرسیون خطی چندگانه و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

#### ۳- بحث درباره یافته‌ها

##### نتیجه‌سنجش متغیرهای تحقیق

##### ۳-۱: ناسازگاری زناشویی

اطلاعات مربوط به ناسازگاری زناشویی آزمودنی‌ها پژوهش حاضر به شرح زیر بوده است:

<sup>12</sup> Sharply&Cross

<sup>13</sup> Spannier&Thompsonal

<sup>14</sup>. Jones

<sup>15</sup>. Irrational belifes test

<sup>16</sup>. Nelson



توزیع فراوانی ناسازگاری زناشویی آزمودنی ها

ناسازگاری زناشویی	تعداد	درصد	درصد تراکم
کم	۲۹	۱۶/۶	۱۶/۶
متوسط	۸۲	۴۶/۹	۶۳/۴
زیاد	۵۸	۳۳/۱	۹۶/۶
خیلی زیاد	۶	۳/۴	۱۰۰
جمع	۱۷۵	۱۰۰	

بر طبق اطلاعات جدول ۴-۴ ناسازگاری زناشویی ۲۹ نفر (۱۶٪/۶) از آزمودنی ها کم، ۸۲ نفر (۴۶٪/۹) متوسط؛ ۵۸ نفر (۳۳٪/۱) زیاد و ۶ نفر (۳٪/۴) خیلی زیاد بوده است.

#### باورهای غیرمنطقی آزمودنی ها

اطلاعات مربوط به باورهای غیرمنطقی آزمودنی ها در جدول زیر آمده است:

توزیع فراوانی باورهای غیرمنطقی آزمودنی ها

باورهای غیرمنطقی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
کم	۲۱	۱۲	۱۲
متوسط	۸۳	۴۷/۴	۵۹/۴
زیاد	۶۲	۳۵/۴	۹۴/۹
خیلی زیاد	۹	۵/۱	
جمع	۱۷۵	۱۰۰	

بر طبق اطلاعات جدول ۴-۶؛ باورهای غیرمنطقی ۲۱ نفر (۱۲٪) از آزمودنی ها کم، ۸۳ نفر (۴۷٪/۴) متوسط؛ ۶۲ نفر (۳۵٪/۴) زیاد و ۹ نفر (۵٪/۱) خیلی زیاد بوده است.

بین باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق ارتباط معنی داری وجود دارد.

جهت آزمون این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. در جدول زیر نتایج به دست آمده از آزمون این فرضیه نشان

داده شده است:

#### سنجش ارتباط بین باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق

با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون

ناسازگاری زناشویی		متغیرها
s.e	$\bar{x}$	
۱۲/۳۹	۹۷/۵۷	
P.Value	r	

		۱۲۰/۷۰	$\bar{x}$	
**۰/۰۰۱	۰/۷۵۹			باورهای غیرمنطقی
		۱۲/۵۹۹	s.e	

نتایج جدول فوق که به بررسی ارتباط بین باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق شهر دلفان پرداخته نشانگر آن است که بین متغیرهای رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد و این بدان معناست که هرچه باورهای غیرمنطقی زنان شاغل در حال طلاق قوی تر باشد، ناسازگاری آنان نیز افزایش می یابد چرا که مقدار  $t$  به دست آمده برابر با (۰/۷۵۹) و مثبت بوده و در سطح معنی داری قابل قبول (۰/۰۰۱ و  $P=۰/۰۰۵$  و  $P<۰/۰۵$ ) بوده است. بنابراین این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد، یعنی:

**بین باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.**

#### ۴- نتیجه گیری

بین باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق ارتباط معنی داری وجود دارد.

نتیجه بدست آمده از سنجش این فرضیه که به بررسی ارتباط بین باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق شهر دلفان پرداخته نشانگر آن است که بین متغیرهای رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد و این بدان معناست که هرچه باورهای غیرمنطقی زنان شاغل در حال طلاق قوی تر باشد، ناسازگاری آنان نیز افزایش می یابد چرا که مقدار  $t$  به دست آمده برابر با (۰/۷۵۹) و مثبت بوده و در سطح معنی داری قابل قبول (۰/۰۰۱ و  $P=۰/۰۰۶$  و  $P<۰/۰۵$ ) بوده است. بنابراین این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد، یعنی: **بین باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری زناشویی زنان شاغل در حال طلاق رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.**

نتیجه تحقیقات هراتیان و همکاران (۱۳۹۹)، مایور<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۸) با نتیجه فوق همسو بوده و آن را تأیید می نمایند.

در تبیین این یافته می توان به نظریات الیس و بک اشاره کرد. این نظریه پردازان باورهای غیر منطقی افراد را علت اصلی ناسازگاریها به ویژه در روابط زوجین می دانند. باورهای غیرمنطقی ناشی از الگوهای فکری منفی و تحریف شده هستند و بیشتر در خانواده هایی که مشاجره و درگیری زیادی دارند، مشاهده می شود. این امر خود مؤید دیدگاه این نظریه پردازان مبنی بر این است که مشکلات روانی نتیجه شناخته های نادرست افراد است. باورهای غیر منطقی به عنوان یک عامل شناخته شده در تعارضات زناشویی به شمار می رود ادامه آن باعث کاهش سازگاری زناشویی است.

#### پیشنهادات :

۱- به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود چنین تحقیقی را به روش علی - مقایسه ای در بین مردان و زنان دارای تعارضات زناشویی انجام دهند.

<sup>18</sup>. Mayor

۲- در تحقیقات آتی به جای استفاده از پرسشنامه از روش مشاهده و مصاحبه برای سنجش میزان سازگاری زناشویی استفاده کنند.

#### منابع

#### الف) منابع فارسی

- اتکنیسون، ریتا. (۲۰۰۱). زمینه روانشناسی. ترجمه‌ی دکتر نقی براهنی. (۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.
- اسدیپور، اسماعیل؛ کریمی، اصغر؛ امینی، مریم. (۱۳۹۹). بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض و دلزدگی زناشویی در پرستاران زن. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. ۱۲(۳):۲۳-۳۰.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۹۶). مبانی روان‌شناختی تحکیم خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اولسون، دیوید، اچ و همکاران. (۱۳۸۸). مهارت‌های ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد. ترجمه‌ی احمدرضا بحیرایی و نادر فتحی، تهران: انتشارات روان‌شناسی و هنر.
- براتی، طاهره. (۱۳۹۸). تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- برک، لورای. (۲۰۰۳). روان‌شناسی رشد. ترجمه یحیی سیدمحمدی، (۱۳۸۷). تهران: نشر ارسباران.
- برهانی‌زاد، شبنم؛ عبدی، رضا. (۱۳۹۶). تأثیر ابعاد مثلث تاریک‌شخصیت در پیش‌بینی صمیمیت و نگرش به خیانت‌زوجین متقاضی طلاق. اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی(اندیشه و رفتار). ۱۱(۴۵):۱۳۹۶-۱۷-۲۶.
- ترابی‌فر. فهیمه. (۱۳۹۲). بررسی علل تعارضات خانوادگی در زوجین در شرف طلاق. مطالعات زنان و خانواده، دوره چهاردهم، شماره ۱۱، ۲۱-۱۶.

#### منابع انگلیسی

- Ainsworth, M.D.S. (1988). Patterns of attachment: Assessed in the strange situation and at home. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Alan, C.A., & Demo, D.H.(2014). "Singlehood" marriage and remarriage: The effects of family structure and family relationships on mothers "well-being". Journal of Family Issues, 17, 386-407.
- Baldwin, S.(1994). Quality of life: Perspectives and Policies, New York: Rutledge.

- Baumeister, R. F., Bushman, B. J., Campbell, W. K. (2017). Self-esteem, narcissism, and aggression: Dose violence result low self esteem or from threatened egotism? *Current Direction of Psychology Science*9:26.29.
- Cassidy, J., Berlin, Q. (1994). *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*. New York: Guilford.
- Cassidy, J., Shaver, P.R. (2003). *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*. New York: Guilford. 1992.
- Cassidy, J. (2011). The nature of child's Ties. *Handbook of a Attachment, Theory, Research, and Clinical Applications*. New York: Guilford.
- Costanza, R.(2007). Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, *Ecological Economics*, 61(2-3).
- Fawerz, K., & Olsson, H.(1992). personal communication cited in Stanley, S.M.(2001). Making a case for Premarital Education. *Family Relations*,50,272-280.